

## راهبرد تربیت دینی و اجتماعی نیروی انتظامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

ناهید حسینی<sup>۱</sup>

فریبا شایگان<sup>۲</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** تربیت فرایندی است که طی آن افراد در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، رسم و راه زندگی، افکار و عقاید، هنجارها و آداب و رسوم، الگوها و قوانین و معیارهای دینی و فرهنگی جامعه را می آموزند و به کار می بندند. در نیروی انتظامی دو بُعد تربیت دینی و تربیت اجتماعی از ارکان مهم تربیتی و دارای بیشترین نمود بیرونی است و نیاز به اهتمام بیشتر دارد. این مقاله با هدف تبیین و واکاوی فرمایشات رهبر انقلاب اسلامی در مورد ابعاد تربیت و به ویژه در دو بُعد اجتماعی و دینی در نیروهای مسلح به ویژه کارکنان نیروی انتظامی انجام شده است.

**روش:** تحقیق حاضر با روش کیفی از نوع تحلیل مضمون و از طریق تحلیل محتوا با استفاده از مطالعات اسنادی پایگاه‌های مرتبط و سخنان مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف انجام گرفته است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** یافته‌ها حاکی از آن است که چهار راهبرد اساسی در این مورد برای پلیس متصور است: ۱- مردم‌داری ۲- قانون‌مندی ۳- دین‌مداری ۴- پیوستگی صفات اخلاقی و حرفه‌ای. بدیهی است موفقیت نیروی انتظامی به‌عنوان پلیس خدمتگزار در جمهوری اسلامی، بدون اتصاف به صفات یادشده محقق نخواهد شد. لازم است بخش‌های مرتبط در سازمان نیروی انتظامی در جهت نهادینه‌سازی صفات تربیتی در دو وجه دینی و اجتماعی، ضمن مداومت در یادآوری و تذکر، برنامه‌ریزی‌های مستمر، پویا و نوآورانه داشته باشند.

**واژه‌های کلیدی:** تربیت دینی، تربیت اجتماعی، راهبرد، نیروی انتظامی، رهبری.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول). hosseini@yahoo.com

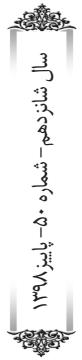
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین. shayegan\_fa@yahoo.com

## ۱- مقدمه

«تربیت» شکلی از جامعه‌پذیری و فرایندی است که فرد توسط آن ارزش‌ها، اعتقادات، افکار و معیارها و الگوهای فرهنگ خاص خود را می‌آموزد و جزئی از شخصیت خویش می‌نماید. انسان در طول زندگی به‌واسطه تربیت، آموزه‌های اجتماعی، فرهنگی، قوانین، عرف و آداب و رسوم و همچنین وجوه دینی و معنوی را درک می‌کند. ارسطو تعلیم و تربیت را مجموعه‌ای اعمالی می‌داند که به‌وسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضائل اخلاقی و مدنی در افراد انجام می‌گیرد؛ بنابراین آموزش هنگامی در شخص تربیت‌شونده تأثیرگذار است که روان او به عادت‌های خوب آراسته شده باشد پس باید تربیت کودک را با پدید آوردن عادت‌های خوب در او آغاز کرد. نظر ارسطو این است که قانون‌گذاران باید با پدید آوردن عادت پیروی از قانون، مردم را بافضیلت سازند و فرق نظام سیاسی خوب و بد نیز از همین جاست (مالک، نایج، ۱۳۹۰: ۱۰۷). نقطه آغازین آموزش و تربیت از بدو تولد در محیط خانواده آغاز می‌شود و سپس در مراکز آموزشی و مدارس و دانشگاه‌ها و محل کار و زندگی و سازمان‌ها ادامه می‌یابد. انسان در هر مرحله از زندگی خود در حال تربیت است، گاه این تربیت انسان‌ساز و موجب بالندگی و گاه ممکن است در مسیر قهقرایی باشد. در حقیقت آموزش و یادگیری و تکرار یک عمل یا طرز تفکر خاص، موجب پیدایش تدریجی شیوه‌ها در کنش و منش و در نهایت درونی‌سازی آن در انسان می‌شود.

انسان مدرن در عصر حاضر، به دلیل بروز و گسترش مشکلات از قبیل خشونت، نبود امنیت، تنهایی، احساس درماندگی و گاه بی‌هدفی، نیاز به پناهگاهی به جز ابعاد مادی زندگی دارد. ابعاد معنوی زندگی از جمله بینش و بصیرت، خودآگاهی، خودفهمی و دگرفهمی، کنجکاوی و معناکاوی، وحدانیت و غایت‌گرایی، لوازمی برای رشد معنوی به‌شمار می‌آیند. بسیاری از اندیشمندان حوزه تربیت، به ارتباط میان تربیت دینی، معنوی و اجتماعی باور دارند. «دیویی»<sup>۱</sup> بر این باور است که از طریق تربیت معنوی می‌توان بسیاری از ارزش‌های والای انسانی و حتی دینی

1. Dewey.



را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرد (دیویی، ۱۹۹۵). از سوی «بلیک»<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) نیز معتقد است که اگر کودکی که پیشینه دینی نداشته باشد، تبدیل به انسانی معنوی نخواهد شد؛ بنابراین تربیت معنوی تنها در بافت دینی قابل اجرا خواهد بود.

در شرایط کنونی، سازمان‌ها یکی از مکان‌های آموزش کارکنان خود و در حقیقت افراد جامعه هستند و چه‌بسا تأثیر این تربیت در جامعه نیز امتداد یابد و آثار آن را در رفتارهای اجتماعی فرد مشهود باشد. سازمان نیروی انتظامی به‌واسطه ماهیت و مأموریت و وظایف ویژه، در اقدامات تربیتی خود، آموزش‌های فردی، مهارتی، اعتقادی و اجتماعی را جای داده است. مقام معظم رهبری بارها به ابعاد تربیتی و وجوه رشد دینی، فردی و اجتماعی کارکنان و لزوم اهتمام به آن اشاره نموده است. هدف اصلی در این مقاله ضمن تأکید بر تربیت دینی و اجتماعی کارکنان نیروی انتظامی، واکاوی بیانات فرماندهی معظم کل قوا پیرامون این موضوع برای کارکنان نیروهای مسلح، به‌ویژه نیروی انتظامی است.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

تربیت اجتماعی یکی از اساسی‌ترین بخش‌های تربیت است که جایگاه ویژه‌ای در فرایند تعلیم و تربیت و اهداف آموزش و پرورش دارد. ثبات و سلامت و پایداری نظام اجتماعی، به سلامت افراد جامعه بستگی دارد، به همین دلیل دین اسلام با توجه خاص به تربیت اجتماعی و تکوین انسان‌های منضبط، متوازن و متعادل از نظر اخلاقی و اندیشه‌ای، در پی ایجاد جامعه‌ای سالم است. درواقع انسان با تربیت اجتماعی و به‌واسطه یادگیری دانش و مهارت‌های اجتماعی، توان لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را به دست می‌آورد. می‌توان گفت تربیت اجتماعی یعنی تربیت افراد برای سازگاری اجتماعی (قاسمی طوسی، ۱۳۸۹: ۱۳). فرد با کسب شایستگی‌های لازم در جهت درک موقعیت خود و دیگران برای بهبود عمل خود دقت می‌کند (عبدالله‌زاده، ۱۳۹۲: ۳). از نظر جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و انسان‌شناسان تربیت اجتماعی عبارت است از سازش و انطباق رفتار فرد با شرایط و هنجارها

1. Blake.

و ارزش‌های جامعه. تربیت اجتماعی جز از طریق خودآگاهی تک‌تک افراد جامعه و احساس همدلی و سازگاری بین افراد یک اجتماع محقق نمی‌شود. یکی از مباحث مطرح در حوزه تعلیم و تربیت، آموزش مادام‌العمر به افراد جامعه شامل آموزش پایه، تفکر انتقادی، مضامین میان‌رشته‌ای مانند مشارکت‌پذیری، تعاون، مسئولیت‌پذیری، ادب و آداب اجتماعی، همدلی، مثبت‌نگری، نظم و انضباط، شکر نعمت‌های الهی، محبت، احترام به دیگران، عدالت و خویش‌داری است. تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه به معنای بندگی انسان در برابر خداوند و پیروی از دستورات الهی، به‌منظور تنظیم روابط انسانی مبتنی بر معیارهای اصلاحی جامعه است و به معنای سازگاری صرف با ملاک‌های جوامع بشری نیست (اسماعیلی فر، ۱۳۹۰).

تحقیقات نشان داده است که بین تربیت اجتماعی، تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. معنویت به‌عنوان رکن اساسی تعالیم دینی، تلاشی برای اتصال انسان به عالم برین و دستیابی به حیات معنوی اصیل، همواره در کانون توجه متولیان دین بوده است. پس از تحولات جهان غرب و فاصله گرفتن از دین در نیمه اول و اوایل نیمه دوم قرن بیستم، با آغاز جنبش معنویت‌گرایی معاصر از دهه ۱۹۸۰ به بعد، فضای جدیدی برای پرداختن به این حوزه برای اندیشمندان مهیا شد. اگرچه معنویت‌گرایی معاصر الزاماً احیای حیات دینی به مفهوم ادیان آسمانی نیست، بلکه بیشتر به مفهوم جدید آن و ارضای نیاز درونی و روانی انسان اطلاق می‌شود؛ اما دین‌داران معنویت را منحصرأ در چهارچوب دین تفسیر می‌کنند و بر این باورند که با خروج از دین، زندگی، روح معنوی خود را از دست می‌دهد (باغگلی، ۱۳۹۲: ۲)؛ بنابراین طرح بازگشت معنویت در دنیای پست‌مدرن، نه تنها الزاماً به معنای به رسمیت شناختن دین نیست، بلکه بیشتر تلاشی برای پر کردن خلأ معنویت انسانی است (همان). از اهداف تربیت معنوی، حفظ و تقویت سیر فطری زندگی انسان است. علامه طباطبایی تربیت انسان را دارای مبانی شناختی و گرایشی می‌داند (باقری، ۱۳۸۲).

در مفهوم تربیت معنوی تعاریف مختلفی ارائه شده است. «هند»<sup>۱</sup> این تعاریف را به چهار دسته

1. Michael Hand.

تقسیم می‌کند: ۱- تربیت بر اساس اصول معنوی؛ ۲- تربیت روح انسان؛ ۳- تربیت در فعالیت معنوی؛ ۴- تربیت در گرایش معنوی. «کار»<sup>۱</sup> معتقد است کسی که اصول معنوی را سرلوحه زندگی خود قرار دهد و مسیر زندگی را با اهداف الهی ببیند، زیستنی معنوی را تجربه می‌کند که در شکوفایی او از طریق شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی و تمایلات معنوی مؤثر است. اگرچه همه وقایع و تجارب زندگی انسان در اخلاق و مذهب خلاصه نمی‌شود، اما اصول اخلاقی ممکن است بر اساس قواعد و توافقات اجتماعی حاصل شود (اشعری، ۱۳۹۱).

طبق نظر اسلام، لازمه زندگی اجتماعی سالم، اخلاق و کردار نیکو است و اخلاق نیکو را باید در کردارهای نیکو ملاحظه کرد. از نظر مولای متقیان علی (ع) تربیت معنوی، تربیت الهی است که دستیابی به آن در پرتو رعایت تقوای الهی و توجه به مبدأ و معاد و تعقل و تفکر و سیر در آفاق و انفس و سعی و جهد در تصفیه نفس از رذایل و آراسته شدن به فضایل، حاصل می‌شود که ثمره‌اش نورانیت و صفای دل و فلاح و رستگاری، و غایت آن تقرب الهی است (حیدری ستوده، ۱۳۹۱: ۱). آن حضرت، رفتار و زندگی مبتنی بر یاد معاد را به یاران آموزش می‌دادند، چنانچه به مالک اشتر سفارش می‌کردند که بازگشت به سوی پروردگار را بسیار به یاد آرد تا بتواند به درستی عمل کند و خود را از بی‌انصافی و ستمگری، و از تندوی و سرکشی دور نگه دارد (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۴).

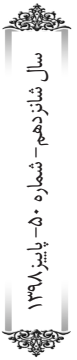
رهبر معظم انقلاب نیز به تاسی از پیشوای خود، معنویت را به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه و اخلاق را به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو دانسته است. از این منظر معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷).

1. Caar.

در مکتب فکری آیت‌الله خامنه‌ای در عین توجه ویژه به دین و معارف، به‌طور ویژه‌ای به مردم به‌عنوان یک موضوع مستقل و نه لزوماً ذیل دین توجه شده است. از منظر ایشان، در متن دین، عالی‌ترین ضوابط برای رشد انسان و کمال معنوی و مادی وجود دارد. ایشان حکومت را متعلق به مردم دانسته و اهداف حکومت اسلامی را در شش محور کلیدی معرفی نموده است: ۱- تقوا؛ ۲- عبودیت و توحید؛ ۳- ولایت؛ ۴- عدالت؛ ۵- کرامت انسان؛ ۶- حیات طیبه. ایشان وظایف حاکمان و دولتمردان جامعه را طبق صلاح مردم می‌داند شامل: ۱- اداره جامعه بر اساس قوانین شرع و آرای مردم؛ ۲- تأمین مادی و معنوی شهروندان؛ ۳- تقویت اختیار و اراده مردم.

حکومت اسلامی نه‌فقط وسیله‌ای برای تحقق اهداف یک جامعه است، بلکه باید عاملی در جهت رشد و تعالی انسان و اهداف الهی باشد. در حقیقت در منظومه فکری مقام معظم رهبری مردم اساس حکومت دینی هستند و ایجادکننده مشروعیت‌دهنده و هدایت‌کننده حکومت به حساب می‌آیند (زارعی، ۱۳۹۸: ۱۲۶)؛ بنابراین در این الگو صاحبان اصلی قدرت، مردم هستند (رضایی، توحیدفام، ۱۳۹۷).

تاکنون تحقیقات بسیاری در مورد تربیت انجام شده است. اسماعیلی فر (۱۳۹۰) در تحلیلی کیفی ضمن بیان کلیاتی در مورد تربیت اجتماعی، دیدگاه امیر مؤمنان علی (ع) و نیز دیدگاه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی را در باب تربیت اجتماعی مورد مطالعه قرار داده است. وی تربیت اجتماعی را به‌عنوان یکی از ابعاد ضروری تربیت برای افراد یک جامعه و در نهج‌البلاغه به معنای بندگی انسان در برابر خداوند و پیروی از دستورات الهی، به‌منظور تنظیم روابط انسانی مبتنی بر معیارهای اصلاحی جامعه و نه به معنای سازگاری صرف با ملاک‌های جوامع بشری دانسته است، همچنین روش‌های تربیت اجتماعی، همانند پرهیز از تحقیر، ایجاد نشاط اجتماعی، محبت و مهرورزی، ابراز توانایی، الگودهی، زینت کلام، آراستن ظاهر، توجه به هدف الهی در امور اجتماعی و ... ابزارهایی برای رسیدن به تربیت اجتماعی است. از دیدگاه نهج‌البلاغه آسیب‌هایی از جمله آسیب‌های معرفتی، آسیب‌های رفتاری و آسیب‌های گفتاری





متوجه این نوع از تربیت است. بر اساس این تحقیق، تربیت اجتماعی فردگرا، فرد را برای غلبه بر دیگران آماده می‌کند و تربیت اجتماعی جمع‌گرا، موجب سازگاری افراد جامعه با همدیگر می‌شود. اما تربیت اجتماعی مبتنی بر نظرات حضرت علی(ع) هم به فرد و هم به جامعه بها داده است.

سلحشوری (۱۳۹۰) با بررسی حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی، نتیجه گرفته که بین این سه مفهوم رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد، به گونه‌ای که غایت تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و غایت تربیت معنوی، تربیت دینی است.

حیدری ستوده (۱۳۹۱) از دیدگاه حضرت علی(ع) تربیت معنوی را تربیت الهی دانسته که دستیابی به آن مستلزم رعایت تقوای الهی و توجه به مبدأ و معاد و تعقل و تفکر و سیر در آفاق و انفس و سعی و جهد برای تصفیه نفس از رذایل و آراستگی به فضایل است که حاصلش نورانیت و صفای دل و فلاح و رستگاری و غایت آن تقرب الهی است.

نجفی، وفایی و ملکی (۱۳۹۴) در تبیین ابعاد و مؤلفه‌های رشد معنوی، به تحلیل محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، مصوب در آذرماه ۱۳۹۰ پرداخته‌اند.

حسینی خواه (۱۳۹۷) در پژوهشی فلسفی از نوع تحلیل مفهومی، از سطوح سه‌گانه پژوهش فلسفی-تحلیلی، دو سطح تفسیر و تدوین مفهوم (مفهوم‌پردازی) مورد استفاده قرار داده است. یافته‌های تحقیق، در جهت رسیدن به یک چارچوب نظری-عملی برنامه‌دستی برای پرورش معنویت است. تعریف معنویت و تربیت معنوی، تبیین جایگاه و ضرورت وجود تربیت معنوی، تشخیص ابعاد تربیت معنوی (دینی، غیردینی) از دستاوردهای این تحقیق است.

### ۳- مفهوم‌شناسی

تربیت: «لغتنامه بویسون»<sup>۱</sup> تعلیم و تربیت را علم تربیت می‌داند. «دورکیم»<sup>۲</sup> تعلیم و تربیت را یک نظریه علمی می‌داند. علم تعلیم و تربیت از جمله علوم بین‌رشته‌ای است و مجموعه‌ای از علوم انسانی و غیرانسانی از قبیل تاریخ، اقتصاد، آمار، ریاضیات، فیزیولوژی و روان‌شناسی و

1. BUISSON Dictionary.  
2. Durkheim.

جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و مردم‌شناسی را دربر می‌گیرد. این علم یک علم نظری محض نیست، بلکه علمی کاربردی است (سبحانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۳).

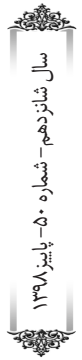
**تربیت اجتماعی:** گروهی تربیت اجتماعی را تأمین تمهیدات لازم جهت متجلی ساختن ارزش‌ها و ضوابط اجتماعی در فرد به‌منظور مؤثر بودن او در برخورد‌های اجتماعی اعم از هدایت دیگران، مخالفت با نظرات غیرمنطقی، توافق سازگاری و اموری نظیر آن می‌دانند (عبدالله‌زاده، ۱۳۹۲: ۴).

**تربیت دینی:** به‌معنای تربیت بُعد دینی انسان است؛ یعنی: مجموعه اعمال اختیاری که با هدف آموزش گزاره‌های اعتقادی یک دین و پرورش ایمان و التزام عملی به آن آموزه‌ها صورت می‌گیرد. در این معنا بعد دینی انسان هم‌عرض ابعاد دیگر او مانند بعد عقلی، عاطفی، اجتماعی، جنسی و دیگر ابعاد انسان است. بنابراین همان‌طور که می‌توان درباره بعد عقلی انسان و چگونگی تربیت آن سخن گفت، تربیت بُعد دینی او نیز به‌عنوان فرایندی عملی قابل بررسی و مطالعه علمی است.

#### ۴- روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر با رویکرد کیفی و در اصل با روش «تحلیل محتوای کیفی» در بخش داده‌پردازی انجام شده است. تحلیل محتوای کیفی، روشی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، رمزبندی و مضمون‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده است. تحلیل محتوای کیفی به پژوهشگر اجازه می‌دهد که اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی اما با روش علمی تفسیر کند. اعتبار نتایج، به‌وسیله وجود یک فرایند رمزبندی نظام‌مند تضمین می‌شود (ایمان، نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۳). در تحقیق کیفی واحد تحلیل، مفاهیم هستند و بلوک‌های نظریه را می‌سازند. (فلیک، ۱۳۹۳: ۱۳۹).

در این پژوهش جامعه آماری، از بیانات و سخنان مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۷ در مورد موضوع مقاله است مندرج در پایگاه تنظیم و نشر آثار مقام معظم رهبری بهره‌برداری شده است. بخشی از این داده‌ها در کتاب «راهبردهای ناجا برای امنیت و آرامش» جمع‌آوری شده که در این مقاله نیز استفاده شده است. اعتبار تحقیق بر اساس مقایسه کدگذاری صاحب‌نظران







این حوزه که در تحقیقات و مقالات موجود قابل دسترسی است و نیز نظرخواهی از برخی صاحب نظران در این زمینه، به دست آمده است.

### ۵- تحلیل یافته‌ها

مقام معظم رهبری در جمع نیروهای مسلح به ویژه نیروی انتظامی، به دفعات به ویژگی‌ها و صفات اخلاقی و رفتاری لازم برای این نیرو اشاره نموده است. در این مقاله به چند راهبرد در ابعاد نیروی انسانی و تربیت معنوی و اجتماعی کارکنان نیروی انتظامی در بیانات مقام معظم رهبری اشاره می‌شود، شامل: الف- مردم‌داری؛ ب- قانون‌مندی؛ ج- دین‌مداری؛ د- پیوستگی صفات اخلاقی و حرفه‌ای.

#### الف- راهبرد مردم‌داری (انتظارات، حقوق و روابط متقابل)

اساساً، نیروی انتظامی، نیرویی اجتماعی و مردمی است و در بسیاری از مأموریت‌ها ارتباطی چهره‌به‌چهره با مردم دارد و بر همین اساس آموزش مهارت‌ها و تربیت اجتماعی نیروی انسانی از ارکان اصلی موفقیت آن به‌شمار می‌آید. به‌طورکلی مردم‌داری در وجوه مختلف را می‌توان از کلام مقام معظم رهبری استخراج کرد:

- ۱- مردمی بودن؛
- ۲- مقبولیت و احترام؛
- ۳- کسب اطمینان نزد مردم؛
- ۴- درخشش در محیط مردم؛
- ۵- اعتماد؛
- ۶- قوی و مقتدر؛
- ۷- هوشمند؛
- ۸- مؤدب و اهل تفاهم؛
- ۹- خدمتگزاری به مردم.

مقام معظم رهبری، نیروی انتظامی را نیرویی اجتماعی معرفی می‌کند: «نیروی انتظامی نیروی

مسلح اجتماعی است... در متن زندگی مردم است» (۱۳۸۳/۱۰/۲۳).

بدیهی است سازمانی که از اساس اجتماعی و در ارتباط تنگاتنگ با آحاد جامعه است، تربیت اجتماعی و آموزش مهارت‌های برقراری ارتباط اجتماعی سالم و سازنده در اولویت است. نیروی انتظامی برای حفظ نظم و امنیت لازم است که در وهله نخست، صفات اخلاقی را در خود نهادینه سازد که این خودسازی در کنش و تعامل با کارکنان نمود اجتماعی پیدا می‌کند. کارکنان ناجا به‌عنوان سرمایه‌های انسانی و اجتماعی پلیس هستند و هرگونه برخورد اجتماعی آنان اثر مهمی بر مردم جامعه دارد.

در راستای تربیت اجتماعی، «مردم‌داری» از جمله رهنمودهای راهبردی مقام معظم رهبری برای نیروی انتظامی است. در این راهبرد بسیاری از ویژگی‌های پلیس در مقابل مردم قابل تبیین است؛ اما برای ادای دین و خدمتگزاری به مردم به زمینه‌ها و بسترهایی نیاز دارد که در نمودار (۱) ترسیم شده است:



نمودار (۱) زمینه‌های لازم برای راهبرد مردم‌داری ناجا

پلیس باید با حضور در صحنه و ادای تکالیفش احساس اطمینان، دلگرمی و محبت را در مردم نسبت به خود ایجاد کند. وجود نیروی انتظامی در اصل، به منظور ایجاد امنیت و آرامش برای مردم است از این رو لازم است که مردم به این سازمان و کارکنان آن اطمینان داشته باشند. اساساً وجود پلیس باید عامل ایجاد اطمینان خاطر برای مردم باشد:

«... مردم، نیروی انتظامی را باید از خود بدانند و شما باید با رفتار خود، با شیوه‌های خود، با امانت خود، با سلامت و صداقت اخلاقی عملی خود، این اطمینان و اعتماد را از خود در دل مردم به وجود آورید» (۱۳۷۹/۰۷/۱۸).

همچنین، رفتار و عملکرد پلیس باید به گونه‌ای باشد که مردم رحمت را از سوی پلیس احساس کنند:

«همان نیروی مقتدر و با صلاحیتی که در مقابل مخلّ به امور امنیت با کمال قدرت و صلاحیت می‌ایستد، وقتی که با مردم یا مظلوم مواجه می‌شود، آن‌ها باید در او احساس رحمت و رأفت کنند» (۱۳۷۴/۰۴/۲۱).

صحت و سلامت در نیروی انتظامی عامل دلگرمی و ایجاد حس اعتماد اجتماعی از سوی مردم است. امنیت بخشیدن به وجوه مختلف زندگی مردم، میان مردم و پلیس اطمینان خاطر و دلگرمی و مودّت ایجاد می‌کند:

«شما وقتی در میدان هستید، کار خودتان را خوب انجام می‌دهید... مردم به شما اطمینان پیدا می‌کنند، احساس دلگرمی می‌کنند، به شما محبت می‌ورزند، [من] به شما افتخار می‌کنم» (۱۳۸۶/۰۸/۱۶).

از نظر رهبر انقلاب اسلامی، انتظارات مردم از نیروی انتظامی عبارت‌اند از: قوی و مقتدر بودن، هوشمند و پیچیده بودن (آشنایی و مهارت با جزئیات و ظایف)، سالم و امین بودن، سریع و به‌هنگام بودن، مؤدب و اهل تفاهم بودن.

«مردم می‌خواهند نیروی انتظامی قوی و مقتدر باشد، هوشمند و پیچیده باشد، سالم و امین باشد، سریع و به‌هنگام باشد، مؤدب و اهل بیان و تفاهم با مردم باشد. این انتظارات مردم از نیروی انتظامی ماست» (۱۳۸۳/۰۷/۱۵).

درواقع صحت، سرعت و دقت در عمل و انجام وظایف و مأموریت‌ها مایه آرامش و دلگرمی اجتماعی نسبت به پلیس است. ایشان افزون بر تأکید بر ویژگی «اقتدار» و «عزت» به «رحمت و مهربانی» با مردم تأکید دارند:

«این اقتدار همیشه با صدای کلفت و اسلحه تیز و مشت محکم نیست؛ بلکه اقتدار، یک امر معنوی است. اقتدارهای ظاهری در حقیقت اقتدار نیست. باید کیفیتی به وجود آید که هم خود نیرو در خود احساس قدرت کند و هم آحاد ملت احساس کنند که پاسبان و پاسدار و حافظ امنیت فردی و اجتماعی آنها یک مجموعه مقتدر است و می‌تواند از آنها دفاع کند...» (۱۳۷۴/۴/۲۱).

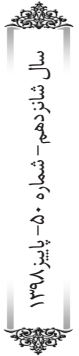
## ب- قانون‌مندی

توجه و پایبندی به قوانین و مقررات و قانون‌گرایی، امانتی است که افراد پلیس نه تنها باید مردم را به آن سوق دهند، بلکه خود به‌عنوان کسانی باشند که قانون را سرلوحه امور زندگی شخصی، اجتماعی و حرفه‌ای قرار می‌دهند. تقویت صفاتی همانند صالح بودن، امین بودن و معتقد بودن به سرنوشت مردم ضروری است. در غیر این صورت، ممکن است قدرتی که در اختیار مأمور انتظامی قرار دارد، خود به عامل ناامنی تبدیل شود.

راهبرد «قانون‌مندی» به‌همراه ابعاد و ملاحظات آن، راهبردی است که رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با فرماندهان نیروی انتظامی مطرح کرده است. ایشان راهبرد قانون‌گرایی در نیروی انتظامی را دارای دو بعد می‌داند:

**الف- بُعد بیرونی:** که در مواجهه و مقابله با قانون‌گريزان و اخلال‌گران نظم و امنیت است.  
**ب- بُعد درونی:** که مربوط به قانون‌مند بودن مأموران نیروی انتظامی است.

«قانون‌گرایی دو عرصه دارد: یک عرصه در مواجهه با مردم؛ یعنی شما ببینید که کجا تخلف از قانون می‌شود، آنجا در مقابلش بایستید. یک عرصه دیگر در درون سازمان؛ به‌معنای اینکه عضو نیروی انتظامی در داخل سازمان نیرو به‌معنای واقعی کلمه قانون‌گرا باشد و رعایت قوانین را بکند؛ آنجا قانون‌گرایی بایستی بیش از همه‌جا در جریان باشد» (۱۳۷۲/۰۴/۲۶).





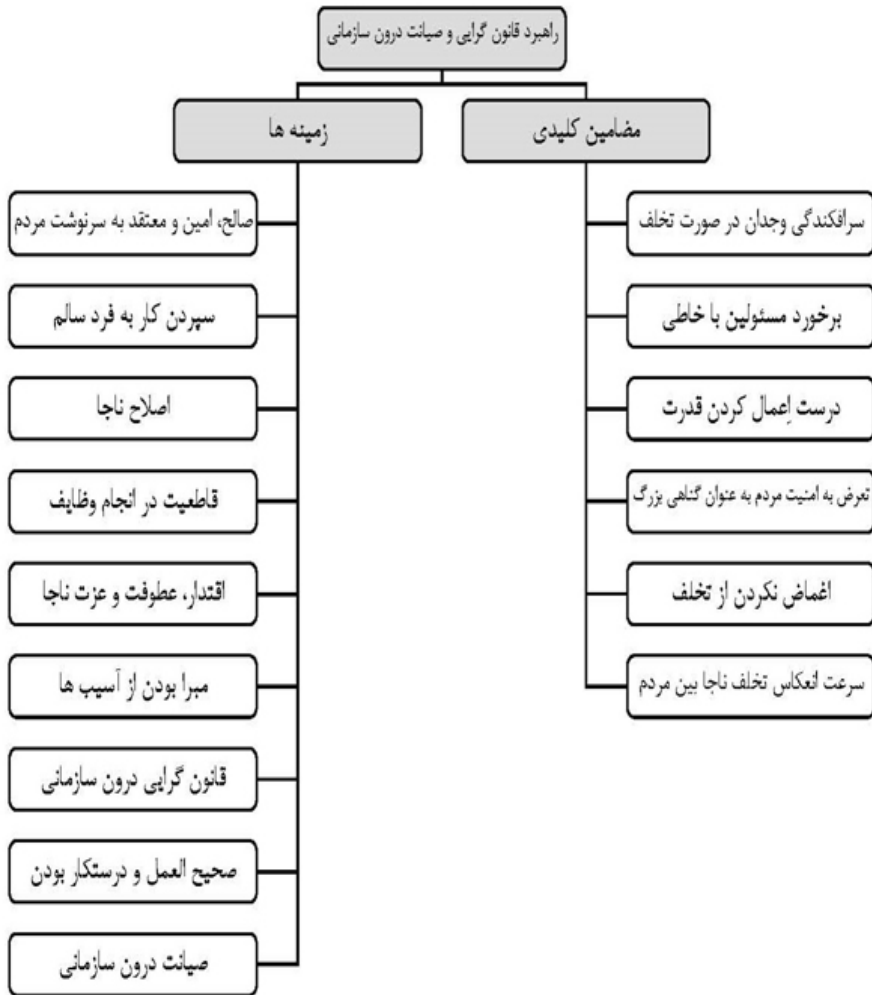
اقتدار و احترام نیروها پیرو اصلاح و مراقبت در رفتار پلیس است. بر همین اساس مقام معظم رهبری افزون بر تأکید بر دو نکته اساسی شامل اقتدار قانونی، دقت و مراقبت در انجام وظایف قانونی، به مهربانی با مردم نیز اشاره می‌کند:

«احساس مهربانی و خدمت نسبت به مردم. این قدرت [نیروی انتظامی] وقتی زیبا و مقدس و مطلوب است که در خدمت مردم به کار رود. به مردم مهربانی کنید و برای آنها همچون برادرانی مهربان و خدمتگزارانی صمیمی و دوستانی که در هنگام آسایش آنها بیدارند تا به آنها آرامش ببخشند، ظاهر شوید...» (۱۳۷۲/۰۴/۲۶).

ایشان در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی، به لزوم عدم اغماض نسبت به تخلفات نیرو اشاره نموده‌اند:

«اگر خدای نکرده کسی در دستگاهی که مردم چشم امید به این دارند که در مقابل متخلف و تهدیدکننده آسایش و امنیت مردم بایستد، احساس تخلف کند و خدای نکرده تعرضی به امنیت مردم از درون آنجا بشود، این گناه خیلی بزرگی است. نباید اغماض شود تا نیروی انتظامی همان چیزی بشود که نظام اسلامی لازم دارد؛ یعنی مقتدر، سربلند، عزیز، با عطف و رحمت و حاضر در همه نقاط» (۱۳۷۶/۰۴/۲۵).

در نمودار (۲) مضامین کلیدی و زمینه‌های مربوط به راهبرد قانون‌گرایی و صیانت درون‌سازمانی ارائه شده است:



نمودار (۲) مضامین کلیدی و زمینه‌های راهنمای قانون‌گرایی و صیانت درون‌سازمانی



## ج- راهبرد دین‌مداری

مقام معظم رهبری، نیروی انتظامی را نیرویی انقلابی می‌داند و حفظ ارزش‌های دینی و اسلامی را از ارکان مهم آن می‌داند:

«نیروی انتظامی نماینده حاکمیت اسلامی است، نماینده نظام جمهوری اسلامی است در مردم...» (۱۳۹۴/۲/۶). «نیروی انتظامی متعلق به این ملت، باید پاسدار این ارزش‌ها (اسلامی) باشد» (۱۳۷۳/۴/۲۱).

به همین دلیل نمی‌توان کارکنان این سازمان را همانند سایر ارگان‌های دیگر در نظر داشت و لازم است که به وجوه اخلاقی و دینی آنان توجه بیشتری نمود. از نظر ایشان:

«بزرگ‌ترین وظیفه نیروی انتظامی حفظ ارزش‌هاست. قدرت و عزت و رحمت در چارچوب حفظ ارزش‌های اسلامی و قرآنی است» (۱۳۷۴/۰۴/۲۱).

فرمانده کل قوا در دیدار اقشار مختلف مردم، نیروی انتظامی را مظهر «دیانت»، «اقتدار» و «هوشیاری و هوشمندی» معرفی کرده‌اند:

«امروز نیروی انتظامی باید مظهر سه چیز مهم باشد: اول، دیانت و آنچه ناشی از دیانت است؛ مثل عفت و اخلاق نیک و اخلاق اسلامی. دوم، اقتدار است. نیروی انتظامی باید قدرتمند باشد. در سرتاسر کشور یک نیروی انتظامی است و بارهای سنگینی را بر دوش دارد؛ به همین خاطر باید قدرت را با عوامل مادی و معنوی آن در خود حفظ کند. سوم، هوشیاری و هوشمندی است. خاصیت نیروی نظامی و انتظامی همین هوشیاری و هوشمندی است؛ فریب نخوردن و همه‌جا حضور داشتن. نیروهای انتظامی باید این سه خصوصیت «ایمان» و «اقتدار» و «هوشیاری» را به‌طور روزافزون در خود به وجود بیاورند و هر چه هست، بیشتر کنند. مردم هم باید به چشم برادران حافظ نظم و امنیت به آن‌ها نگاه کنند» (۱۳۷۹/۰۹/۱۳).

ایشان در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی، تقید دینی ناجا را به‌عنوان وجه تمایزی مهم نسبت به پلیس در سایر کشورها دانسته‌اند:

«اگر دین‌مداری و پایبندی به اصول نباشد، پای امنیت هم بشدت می‌لنگد. حتی پلیس‌هایی که در دنیا به انضباط معروف‌اند، اگر آن قید معنوی، آن حاکم درونی، آن احساسی که

بر همهٔ وسوسه‌ها غلبه دارد، در آنها نباشد، کارایی نخواهند داشت. ... آن احساسی که همه‌جا بُرایی خودش را دارد، احساس دینی و احساس حضور در مقابل پروردگار عالم است» (۱۳۷۰/۱۱/۰۲).

همچنین ملاک عمل نیروی انتظامی را پایبندی به اسلام دانسته و آن را مسئولیتی خطیر بر شمرده‌اند:

«اما در جامعه‌ای که معیار و ملاک اسلام است، حساسیت نیروی انتظامی باید متناسب با آن چیزی باشد که در این جامعه مورد نظر است. ... حفظ و حراست و عمل بر طبق این حساسیت‌ها، بدون هیچ ملاحظه‌ای به شما که نیروی انتظامی هستید، برمی‌گردد. این کار سخت و سنگینی است، اما کار بسیار مؤثری است» (۱۳۷۰/۱۱/۰۲).

توجه به تقویت ارزش‌های انسانی و دینی، ضرورتی است که رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی مطرح کرده‌اند:

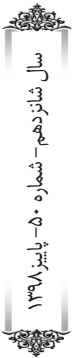
«درعین حال حساسیت نیروی انتظامی و کار روی این نیرو و هدف‌گیری یکایک عناصر این نیرو در جهت تعالی بخشی و تقویت ارزش‌های انسانی و دینی در آن، همچنان باقی است. این، نقش شماها را زنده می‌کند» (۱۳۸۳/۱۰/۲۳).

فرمانده کل قوا برای نیروهای مسلح «خودسازی» را اصل مهم دانسته و بر آن تأکید ویژه دارند:

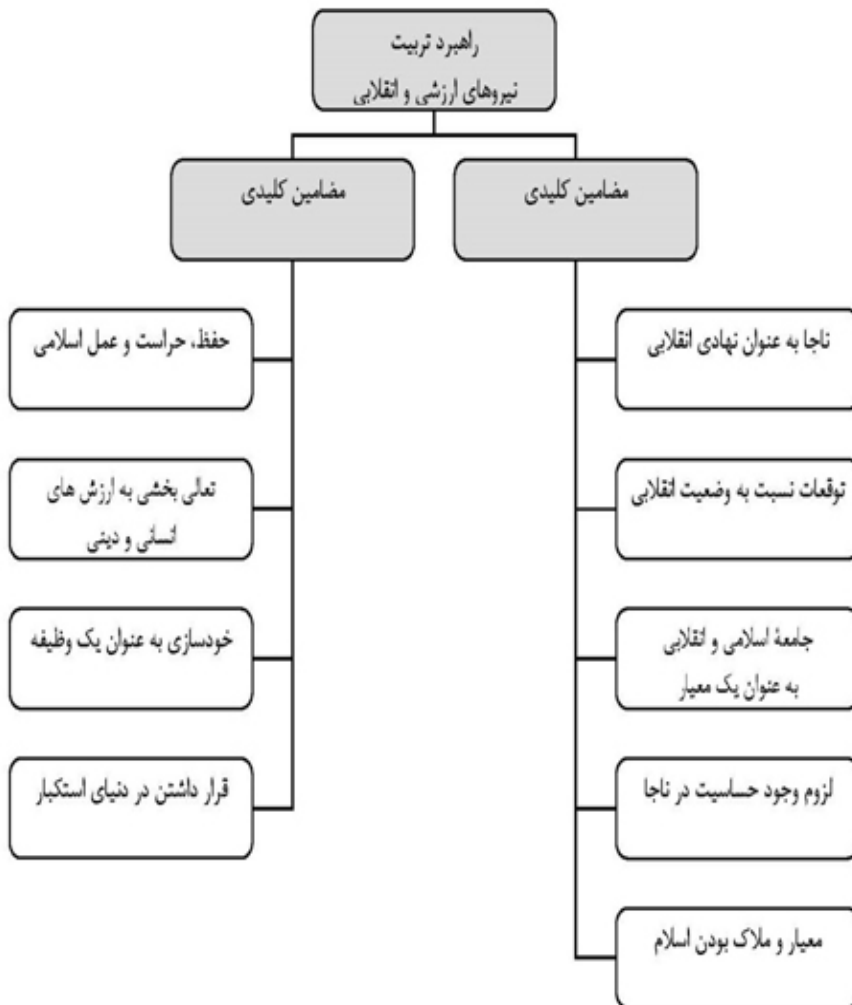
«امروز وظیفهٔ سپاه پاسداران و نیروهای انقلابی در هر جا که هستند، در سپاه، در ارتش، در نیروی انتظامی، خودسازی است. امروز ما وظیفهٔ خودسازی داریم» (۱۳۷۰/۱۱/۱۸).

ایشان عزت پلیس را به نداشتن دل‌بستگی به مادیات، انجام وظیفه، پارسایی و پاک‌دامنی، رحمت و رأفت، اجتناب از پول‌پرستی و شهوت و تملق و چاپلوسی می‌داند که باعث عزیز شدن پلیس نزد مردم می‌شود:

«نیروی انتظامی باید عزیز باشد. این عزت، از رفتار نیروی انتظامی ناشی می‌شود. چگونگی انجام وظیفهٔ او... اگر کسانی که با او مواجهند، احساس کردند که این آقا اسیر پول، اسیر شهوات و اسیر تملق است، از چشمشان ساقط خواهد شد. پس عزت به این است که پارسایی و پاک‌دامنی در همه‌جای این نیرو مشاهده شود... این، یک امر معنوی و روحی است» (۱۳۷۴/۰۴/۲۱).







نمودار (۳) مضامین کلیدی راهبرد تربیت نیروهای ارزشی و انقلابی

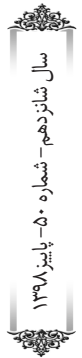
### د- راهبرد پیوستگی صفات اخلاقی و حرفه‌ای

مأموران ناجا لازم است به نسبت کسوت انتظامی و نظامی خود مجموعه‌ای از صفات حرفه‌ای را کسب کنند. به‌عنوان مثال، اقتدار یا آمادگی رزمی در برقراری و ایجاد ثبات خصلتی مهم است. مقام معظم رهبری از این‌گونه صفات با عنوان «اقتدار ظاهری» تعبیر کرده‌اند. هم‌زمان ضروری است که صفات اخلاقی و دینی در فرایند اجرای وظایف و تکالیف رعایت شوند. اساساً، وجه تمایز پلیس در نظام اسلامی با سایر جوامع، آراستگی مأموران انتظامی به روحیات و باورهای شایسته و متعالی است. رهبر انقلاب اسلامی در بیشتر بیانات خود، داشتن ترکیبی از صفات اخلاقی و حرفه‌ای را برای نیروی انتظامی به‌عنوان یک معیار معرفی کرده‌اند؛ صفاتی نظیر ایمان، اقتدار، هوشیاری، پایبندی به اصول، مهربانی، دلسوزی، وقار، قدرت، رأفت، صلابت، دقت، عزت، نجابت، شرافت، شجاعت، مروت، صمیمیت، ترحم و غیره.

اهمیت همراه شدن صفات اخلاقی و حرفه‌ای، به‌اندازه است که فرمانده کل قوا لازم دانسته‌اند که آن به یک «فرهنگ» در نیروی انتظامی تبدیل شود؛ بنابراین، عرصه انتظامی، عرصه‌ای فرهنگی نیز به‌شمار می‌آید. مأموران انتظامی باید رفتار و گفتاری متناسب و شایسته با شأن فرهنگی خود داشته باشند. البته صفات قهری در مواقع ضروری، به‌منزله اقتضائی اجتناب‌ناپذیر است. درواقع، وظایف این نیرو، تکالیفی پیچیده و ظریف است.

پایبندی به موازین و اخلاق اسلامی برتر از احساسات ملی‌گرایانه یا تشکیلاتی تلقی می‌شود. اجتناب از مادیات، شهرت و تملق، صفاتی بایسته و زینده برای مأموران نیروی انتظامی هستند. تحفظ فردی نسبت به وسوسه‌های دنیوی و حاضر دیدن خود در پیشگاه پروردگار، به‌عنوان وجه متمیزه چنین مأموری با پلیس در سایر جوامع به‌شمار می‌آید.

مفهوم سلامت اخلاقی و حرفه‌ای در نیروی انتظامی مرتبه مضاعفی دارد، زیرا نیروی انتظامی در صحنه زندگی عموم مردم حضور دارد و در انظار همگان است. پس هرگونه بی‌قانونی یا سوءاستفاده از شأن قانونی مأموران انتظامی، بازتاب و بازخورد وسیع و سریع‌تری نسبت به اشخاص در سایر نهادها دارد. ناجا باید نماینده سالم و امینی برای کل نظام جمهوری





اسلامی باشد و این گونه جلوه کند. مقام معظم رهبری با تأکید به فرمانده و مسئولان نیروی انتظامی سفارش می نماید که:

«مسئله سلامت نیرو را دست کم نگیرید؛ سلامت نیرو. شما با نیروهای نظامی دیگر فرق دارید؛ شما بین مردمید و مردم با شما ممانند... نیروی انتظامی صحیح العمل، درستکار، قوی، قاطع و دارای شرایط لازم، نظام جمهوری اسلامی را در چشم مردم آبرومند خواهد کرد... صیانت سازمانی در درون سازمان انجام بگیرد که این طبعاً به بیرون منعکس خواهد شد» (۱۳۹۴/۰۲/۰۶).

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی، به مجموعه‌ای از صفات دیگر نیروهای ناجا از جمله سرسختی، شجاعت، عطف با مظلوم، امانت‌داری اشاره کرده‌اند:

«شما برادران نیروی انتظامی ... از لحاظ اخلاق و شرافت و نجابت و امانت و پاک‌دامنی، بر کیفیت خودتان بیفزایید... در مقابله با کسی که زندگی و امنیت مردم را تهدید می‌کند، سرسخت، شجاع و پیگیر؛ در مقابله با کسی که تهدید می‌شود، رحیم و عطف و مهربان [باشید]» (۱۳۷۶/۰۴/۲۵).

ایمان و امانت‌داری به همراه خصیصه‌های مرتبط با آنها، از ویژگی‌های مهمی هستند که در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی از سوی رهبری تبیین شده است:

«ما در نیروی انتظامی و در بسیاری از بخش‌ها، از نیروی انسانی مؤمن، کارآمد، توانا، هوشیار و دارای حظ وافر از تجهیز علمی برخورداریم...» (۱۳۷۸/۰۷/۱۷).

همچنین در هفدهمین دوره دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی، رهبر معظم احساس مسئولیت و صفات مربوط به آن را بیان کرده‌اند:

«مایه اصلی کار شما دل‌خداپاور و متعهد و دارای احساس مسئولیت و دوستدار مردم و رشید و شجاع در مقابل برهمنزان و اخلاک‌گران امنیت جامعه است. کار، بزرگ و درعین حال ظریف و پیچیده است...» (۱۳۸۶/۰۸/۱۶).

رابطه معنویت نیرو با اساس نظام اسلامی توسط رهبری تبیین شده است:  
 «الگوی اقتدار در نظام‌های مادی که امروز بر دنیا حاکم است، با الگوی اقتدار در نظام اسلامی متفاوت است. در نظام‌های مادی، اقتدار متکی به پایه‌های قدرت مادی است... اما در الگوی اسلامی و معنوی، این اقتدار در درجه اول متکی به عامل معنوی و ارزش معنوی و الهی است» (۱۳۸۹/۰۸/۱۹).

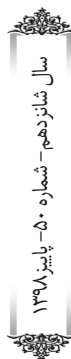
ایشان در دانشگاه علوم انتظامی، بر ضرورت شکل‌گیری و توجه به فرهنگ ناجا به‌عنوان منشور و منظومه‌ای از ویژگی‌ها تأکید کرده‌اند:

«نیروی انتظامی هم مظهر اقتدار نظام و نظمی است که می‌خواهد امنیت کشور را حفظ... تأمین... و از آن پاسداری کند، هم مظهر مهربانی و دلسوزی و روحیه رأفت و رحمت نظام نسبت به آحاد مردم است. این دو در کنار هم و توأم با یکدیگر باید مورد توجه قرار بگیرد. در آموزش‌ها، در دوره‌های گوناگونی که برای کارآموزی بخش‌های مختلف تشکیل می‌شود، این را بایستی به آحاد نیروی انتظامی تعلیم داد تا جزء فرهنگ قطعی نیروی انتظامی بشود» (۱۳۹۰/۰۶/۲۹).

با توجه به مفهوم «حصون الرعیه»، رهبر انقلاب در دیدار نیروهای مسلح منطقه شمال کشور و خانواده‌های آنان، برخی از ویژگی‌های حافظان این حصار را معرفی نموده‌اند:

«نیروهای مسلح... به تعبیر امیرالمؤمنین(ع) «حصون الرعیه»؛ حصارهای رعیت‌اند، حصارهای ملت‌اند، حصارهای معنوی کشورند. وجود نیروهای مسلح مستقل، آگاه، مبتکر، شجاع، فداکار، بدون اینکه گلوله‌ای هم شلیک بکنند، برای یک کشور امنیت‌آور است» (۱۳۹۱/۰۶/۲۸).

در نمودار (۴) مضامین کلیدی مربوط به راهبرد «پیوستگی صفات اخلاقی و حرفه‌ای» ترسیم شده است:





نمودار (۴) مضامین کلیدی راهبرد پیوستگی صفات اخلاقی و حرفه‌ای

راهدرد تربیت دینی و اجتماعی نیروی انظمایی از دیدگاه مقام معظم رهبری

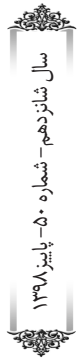
## ۶- بحث و نتیجه گیری

مقام معظم رهبری همواره در بیانات خود به نکات کلیدی و راهبردی در مورد موضوعات مورد بحث در جمع نیروهای مسلح و نیز کارکنان نیروی انتظامی در مناسبت‌های مختلف اشاره دارند که می‌تواند چراغ راهنما و نقشه راه برای رسیدن به موفقیت باشد. یکی از این موضوعات مربوط به چگونگی تربیت دینی و اجتماعی و ارکان آن برای نیروهای مسلح به‌ویژه نیروی انتظامی است به‌نحوی که بتوانند در جهت ایجاد نظم و امنیت توفیق روزافزون داشته باشند.

تربیت یا آموزش و پرورش، فرایند یادگیری است که با تجهیز فرد به معارف، دانش و مهارت‌ها انجام می‌شود. تربیت دستیابی به مهارت در تحلیل، تشخیص، تحقیق، انتخاب شغل مناسب و سرانجام معرفت و مهارت در برخورداری از زندگی سالم و رضایت‌بخش است. نیروی انتظامی به‌عنوان نهادی انقلابی و اجتماعی، لازم است کارکنان خود را با اتصاف به صفات اخلاقی، اجتماعی، دینی در پیشبرد مأموریت‌ها و وظایف یاری دهد. در این مقاله به چهار راهبرد در مورد تربیت اجتماعی و دینی در نیروی انتظامی اشاره شد:

الف- راهبرد اول «مردمداری» است. پلیس اجتماعی در وهله نخست باید مهارت اجتماعی ارتباط با مردم را داشته باشد. البته مراعات کردن و مردم‌داری از آموزه‌های دینی اسلام است که پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان دینی همواره عامل به آن بوده و پیروان خود را به آن سفارش نموده‌اند. در این راهبرد پلیس به مردمی بودن، مقبول و قابل احترام بودن و کسب اطمینان نزد مردم و ادب و احترام، تفاهم و همدلی، روحیه خدمتگزاری سفارش شده است. در این صورت مردم به پلیس اعتماد خواهند داشت و پلیس در بالاترین رتبه اقتدار قرار خواهد گرفت. پیشبرد راهبرد مردم‌داری، نیاز به زمینه‌ها و بسترهای اجرایی دارد، از جمله بیداری و هوشیاری پلیس در همه احوال، امانت‌داری و صداقت و سلامت اخلاقی و اجتماعی، همت و سعی و اراده، هوشیاری مردم، اطلاع‌رسانی فعالیت‌های ناجا و درنهایت مداومت در عمل، زمینه‌ساز حفظ مردم‌داری و تعامل مناسب با مردم و موفقیت در ایجاد احساس اعتماد عمومی خواهد بود.

ب- راهبرد دوم «قانون‌مندی» است. پلیس به‌عنوان ضابط اجرایی قانون باید یکی از ارکان



رعایت قانون و پایبندی به آن باشد. برای پلیس، هیچ نوع بی‌قانونی پذیرفته نیست و نه تنها تصویر منفی در اذهان عمومی بر جای خواهد گذارد، بلکه نسبت به سایرین تأثیر مضاعف خواهد داشت و احساس ناامنی و ترس و بی‌اعتمادی را در پی خواهد آورد. همچنین پلیس به‌عنوان مجری قانون، لازم است که ابتدا خود عامل به آن باشد و سپس به برخورد و مقابله با قانون‌گريزان و اخلال‌گران نظم و امنیت بپردازد. در راهبرد قانون‌مندی لازم است به اصلاح سازمانی پرداخته شود؛ در این راستا جذب افراد صالح، امین و معتقد به سرنوشت مردم، سپردن کار به افراد سالم، قاطعیت در انجام وظایف، درستکاری، اعتقاد، عطف، اقتدار و عزت ناجا زمینه‌ساز قانون‌مندی است. همچنین برخورد با خاطیان، چشم‌پوشی نکردن از تخلفات، اعمال اقتدار و قدرت در جهت رعایت قانون، از جمله مضامین کلیدی است که در این مورد قابل سفارش است.

ج- راهبرد سوم «دین‌مداری» است. دین‌مداری از دیگر ارکان مهم تربیتی در نیروی انتظامی است. تربیت دینی لازمه آموزش از بدو ورود آموزش در مراکز آموزشی و دانشگاهی ناجاست. در این زمینه سازمان عقیدتی سیاسی ناجا عهده‌دار این مهم بوده و در طول خدمت کارکنان آموزش‌های دینی و اعتقادی ارائه داده است. نیروی انتظامی سازمانی است که از نظر مقام معظم رهبری، نماینده نظام جمهوری اسلامی و پاسدار ارزش‌های اسلامی است. از این رو قبل از اینکه به مردم جامعه تخلفات دینی و ارزشی را گوشزد نماید، لازم است خود به صفات دینی آراسته باشد. خودسازی کارکنان در سایه تقیدات و پارسایی دینی اتفاق می‌افتد. عزت پلیس در پرتو دل‌بسته نبودن به مادیات، پاک‌دامنی، رحمت و رأفت، پرهیز از پول‌پرستی و شهوت‌پرستی و تملق و چاپلوسی قابل‌دستیابی است.

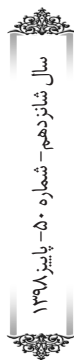
د- آخرین راهبرد اشاره‌شده در این مقاله «پیوستگی اخلاقی و حرفه‌ای» است. تا زمانی که افراد و کارکنان نیروی انتظامی، صفات اخلاقی، دینی و الهی را در خود متبلور نسازند و مهم‌تر اینکه تا زمانی صفات دینی و اخلاقی را در حرفه خود به‌کار نگیرند، نمی‌توان گفت که تربیت دینی اتفاق افتاده است. تجلی صفات درونی در حین عمل و انجام مسئولیت‌ها و وظایف

بروز می‌کند و لازم است که صفاتی همانند ایمان و دیانت، اقتدار، هوشیاری، مهربانی، دلسوزی، قدرت و رأفت، دقت و صلابت، نجابت و شرافت، صمیمیت و ترحم و شجاعت را به‌عنوان فرهنگ‌سازمانی قرین یکدیگر سازند و مجموعه‌ای از این صفات، پلیسی بااخلاق، متدین و آگاه به وظایف، مقتدر و با عزت را به جامعه هدیه خواهد کرد.

## ۷- پیشنهادها

به نظر می‌رسد که برای حفظ روحیهٔ مردم‌داری، آموزش‌های مهارت ارتباط اجتماعی و چگونگی تعامل با آحاد جامعه از جمله زن و مرد، پیر و جوان، کودک و میان‌سال، فقیر و غنی، شهری و روستایی از ارکان اصلی موضوعات آموزشی است که باید این آموزش‌ها به‌طور مستمر اجرا و همواره به‌روزرسانی شوند.

همچنین برای ارتقای قانون‌مندی پلیس، در وهله نخست اخلاق دینی و اخلاق حرفه‌ای در سرلوحهٔ کار قرار گیرد و فرد با در نظر گرفتن رضایت الهی، اجر معنوی و اخروی و در مرحله بعد پایبندی به سوگند خود در بدو خدمت، رعایت و حفظ قانون را نصب‌العین قرار دهد و اجازه ندهد که هیچ حقی از مظلوم پایمال شود و ظالمی از چنگال قانون بگریزد. فرایند تربیت دینی کارکنان لازم است در همهٔ احوال در طول خدمت مرتباً اجرا شود؛ بنابراین یادآوری صفات دینی از جمله آموزش‌های به‌ویژه سازمان عقیدتی سیاسی است که در شکل‌های مختلف از جمله آموزش‌های تصویری، فیلم، مستندات، کتاب، سخنرانی، مسابقات قرآنی و فرهنگی و سیاست‌های تشویقی قابل اجرا خواهد بود.



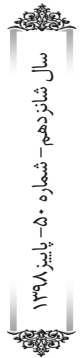




## منابع

- اسماعیلی فر، سیده مهسا (۱۳۹۰). «روش‌های تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج البلاغه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی، دانشکده علوم حدیث.
- اشعری، زهرا و خسرو باقری و افضل السادات حسینی (۱۳۹۱). «بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبایی». *دوفصلنامه تربیت اسلامی* ۷(۱۵)، ۸۹-۱۱۲.
- ایمان، محمدمتقی و محمودرضا نوشادی (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی. مجله پژوهش، سال سوم، شماره دوم، ۱۵-۴۴».
- باغگلی، حسین (۱۳۹۲). «مطالعه انتقادی تربیت معنوی در دنیای معاصر: مقایسه رویکردهای دینی و نوپدید در عرصه تربیت». پایان‌نامه دکتری دانشگاه فردوسی مشهد.
- باقری، خسرو (۱۳۸۲). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. جلد اول. تهران: مدرسه.
- حسینی خواه، علی (۱۳۹۷). «واکاوی و تبیین تربیت معنوی و نگاهی اجمالی به عناصر برنامه درسی در آن ساحت». *فصلنامه تدریس پژوهی*. سال ششم، شماره سوم، ۹۵-۱۳۲.
- حیدری ستوده، زین‌العابدین (۱۳۹۱). «تربیت معنوی از دیدگاه امام علی (ع) بر مبنای نامه‌های نهج البلاغه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی. دانشگاه ملایر، دانشکده علوم انسانی.
- رضایی، حسن و محمد توحیدفام (۱۳۹۷). «نسبت‌سنجی الگوی حکمرانی خوب و مردم‌سالار دینی با تأکید بر شاخص‌های حاکمیت قانون، مشارکت و پاسخگویی». *فصلنامه راهبرد*. ۲۷(۸۹)، ۳۵-۶۵.
- زارعی، سعداله (۱۳۹۸). «هندسه فکری امام خامنه‌ای در باب مردم‌سالاری دینی». *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۲۰(۱)، ۶۹-۱۰۹.
- سبحانی نژاد، مهدی و محمد احمدآبادی آرانی و آزاد محمدی و فاطمه اشرفی (۱۳۹۳). «تبیین ماهیت، ابعاد و مؤلفه‌های علم تربیت دینی». *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۱۸(۱)، ۳۹-۵۶.

- سلحشوری، احمد (۱۳۹۰). «حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی». فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۲(۲)، ۴۱-۵۶.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۱). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم. مشهور.
- عبدالله زاده، آرزو (۱۳۹۲). «مفهوم هژمونی از دیدگاه آنتونیو گرامشی و پیامدهای آن برای تربیت اجتماعی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ملایر، دانشکده علوم انسانی.
- فلیک، اووه (۱۳۹۳). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- قاسمی طوسی، نیره (۱۳۸۹). «تبیین تربیت اجتماعی در قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان». پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه الزهرا(س).
- مالک، حسین و خدیجه نایب (۱۳۹۰). «تعلیم و تربیت از نظر ارسطو». فصلنامه فلسفه و کلام، شماره پنجم، ۱۰۳-۱۲۱.
- نجفی، حسن و رضا فائز و حسن ملکی (۱۳۹۴). «تبیین ابعاد و مؤلفه های رشد معنوی انسان و تحلیل آن در محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران». فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۱(۱)، ۱۳۳-۱۵۶.
- خامنه ای، آیت الله سید علی (۱۳۷۰/۱۱/۰۲). دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی. ----- (۱۳۷۰/۱۱/۱۸) دیدار جمعی از فرماندهان سپاه.
- (۱۳۷۴/۰۴/۲۱) دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی.
- (۱۳۷۶/۰۴/۲۵) دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی.
- (۱۳۷۸/۰۷/۱۷) دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی.
- (۱۳۷۸/۱۰/۰۴) دیدار کارگزاران نظام.
- (۱۳۷۹/۰۷/۱۸) مراسم فارغ التحصیلی جمعی از کارکنان نیروی انتظامی.
- (۱۳۷۹/۰۹/۱۳) دیدار با کارگزاران نظام.
- (۱۳۸۳/۰۷/۱۵) دانشگاه علوم انتظامی.





----- (۱۳۸۳/۱۰/۲۳) دیدار مسئولان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.

----- (۱۳۸۶/۰۸/۱۶) هفدهمین دوره دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی.

----- (۱۳۸۹/۰۸/۱۹) مراسم فارغ التحصیلی دانش آموختگان ارتش.

----- (۱۳۹۰/۰۶/۲۹) دانشگاه علوم انتظامی.

----- (۱۳۹۱/۰۶/۲۸) دیدار نیروهای مسلح منطقه شمال کشور و خانواده‌های آنان.

----- (۱۳۹۴/۰۲/۰۶) دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی.

----- (۱۳۹۷/۱۱/۲۲) بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران. به مناسبت

چهلیمین سالگرد انقلاب اسلامی.

- Blake, N. (1996). Against Spiritual Education. Oxford Review of Education, Vol. 22, Issue 4: 443-56.

-Dewey, J. (1932). A common Faith. New Haven: Yale University press.